

(۶۳)

دوست عزیزم ش عوگرای رُاله

نازنین مهربان آینه دل من . دوی است که برایت
عجزی نوشته ام فقط میگویم نتوانسته ام و همین
کلمه کافی است . اما می خواسته ام . سال تو را
مبارکباد میگویم ، به تو در پیم عزیز است .

ای بار دین که کم دیده است و بود

می دارم . عجزی میتر آتای ضرای عجزی شورا

تایپ کرده و می بینم اسم و شانی برانیم فرستاده

برده اما مگر می شود که شوره راله می شانی

باشه . من اسفندی تو را در هر کلمه دیدم و آن

امید داری را . اما بار دلی جمله است

در فرصت میتری برایت شورا خواهم فرستاد به آتای

ضرای و به عزیز است و میسر خوب و دانشمند ^{بسیار}
ندام دارم قربانت